

فهرست

عنوان	صفحه	نویسنده
ای خدای بزرگ	۲	...
سنگر تبلیغ	۳	...
غرض از آفرینش	۷	جناب آقای طباطبائی
پرتوی از نوآر آسمانی	۱۷	یکی از علماء بزرگ حوزه علمیه
قرآن و مسئله‌ای از حیات	۳۸	جناب آقای مطهری
حکومت در اسلام	۵۶	» » بهشتی
بزرگترین مرد تاریخ	۶۵	» » سعیدی
تسخیر کشور سوئس و ...	۹۶	انجمن تبلیغات اسلامی
یک نیروی مرموز	۱۰۰	جناب آقای صالحی نجف آبادی
سال ۱۳۸۱	۱۱۱	» » مطهری
وجود شما باید ...	۱۱۸	» » دکتر شهاب پور
بعد چهارم ...	۱۲۶	» » بازارگان
یکی از وظائف ما	۱۳۲	» » احمد آذری
نظام اقتصادی	۱۳۸	» » صالحی کرمانی
میثم تمار	۱۴۸	» » دکتر ناظرزاده

شماره دوم

شماره دوم

شماره دوم

از جناب آقای طالبی

شماره دوم

شماره دوم

نشریه سه ماهه

شماره دوم

مکتب شمع

اثر جمعی از دانشمندان

جمادی الثاني ۱۳۷۹

چاپخانه حکمت

فهرست

۱۷۵

ص ۵

اثر ایمان بر ستاخیز ۱۱ ص از جناب آقای طباطبائی

در این مقاله در پاسخ سؤال از اثر ایمان بر ستاخیز ابتدا فرق سازمان دعوت انبیاء با قوانین بشری و سپس تاثیر عقیده بقیامت در شئون فکری در اخلاق روحی، در اعمال فردی و اجتماعی مورد بحث واقع شده است.

پرتوی از انوار آسمانی ص ۱۷ از یکی از علماء بزرگ حوزه علمیه ابتدا بدنبال مقدمه، سطح قرآن و تورات از نظر نقل داستان آدم علیه السلام مقایسه و سپس آیه یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک مطرح و با استفاده از جهات خاص آن اثبات شده که آیه در مورد خلافت علی بن ابیطالب علیه السلام نازل گردیده و بالاخره جهت غیبی آیه بیان شده است.

حکومت در اسلام ۴۹ ص از جناب آقای بهشتی

بیان هفت نظریه راجع به پیدایش حکومت و نظر ادیان درباره آن ضرورت حکومت برای جامعه، مقایسه اقسام حکومت: حکومت فرد، حکومت طبقه خاص، حکومت عامه، حکومت الهی و بیان اقسام آنها

۸۱۹ یا ۷۴۴ ص ۴۱ از جناب آقای بهشتی

در پیرامون پاورقی حکومت در اسلام شماره پیش تحقیق دائرة المعارف اسلامی درباره این جماعه نقل شده است.

زندگی خانوادگی... ۴۴ ص ترجمه آقای احمد سعیدی

... درد نیاچار انقلاب و بحر ان عظیمی شده است در این مقاله از زبان خود امریکائیها اعتراض شدید بتمدن جدید و تاثیر آن در تزلزل خانواده ها و آمار های جالبی در پیرامون ازدیاد طلاقها جنایات، فحشاء در ممالک متمدن میشوند

پدیده دین ۵۴ ص از جناب آقای طالقانی
در آن حقیقت فطرت و کسانیکه فطرت پاکشان دست نخورده و اثر
آلودگی فطرت بخوبی روشن شده است.

نظری بان طرف «قوانین طبیعی» ۵۸ ص ترجمه آقای احمد آرا
در آن «ادوین فاست» دانشمند فیزیک، از طریق نظریه احتمالات
برای اثبات ماوراء الطبیعه استدلال میکند.

بانوی مهر بان در کنار پدر ۶۴ ص آقای صالحی نجف آبادی
نتیجه تلفیق بیش از هفتاد روایت از یازده «مدرك» درباره داستان
کساء بصورت يك داستان شیرین در آمده و سیر تاریخی آن تحت عنوانین: علی

وقصه کساء امام حسن و قصه کساء، و ائله بن اسقع و قصه کساء تشریح شده است
طب اسلامی ۸۶ ص آقای دکتر محمود نجم آبادی
ابتدا تاریخ طب قبل از اسلام و سپس سیر و ترقی طب در اسلام

و پزشکان معروف اسلام مخصوصا ایرانیان و کتابها و اثر آنان در اروپا
و ترجمه هائیکه از کتابهای آنان شده، ذکر شده است.

يك زن در تاریخ ۹۷ ص آقای جواد فاضل
گوشه ای از زندگی نورانی فاطمه زهرا سلام الله علیها تشریح
و سپس بمحصولات ۱۷ دی اشاره شده است.

عدالت اجتماعی ۱۰۷ ص از جناب آقای راشد
ابتدا اثر عدالت اجتماعی و سیر در مجرای فطرت و هماهنگی بانظم
و قانون عمومی و ضرر انحراف از آن مطرح؛ و سپس اثر بلا و نعمت در هر يك از
اخیار و اشرار بان کر نمونه هائی تشریح شده است.

رابطه عقل و دین ۱۲۷ ص از آقای احمد دراد

حجة الاسلام
آقای سید محمد محمود طالقانی

پدیده دین - آیه فطرت

فاقم وجهك للدين حنيفا فطرة الله التي
فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين
القيم ولكن اكثر الناس لا يعلمون
روی خود را برای دین بیابدار و یکسره بآن روی آر
این همان فطرت خدائی است که سرشت مردم را بر آن
گذارده تبدیل و ناجوری در خلقت خدای نیست این همان
دین استوار و پیا دارنده است ولی بیشتر مردم نمیدانند

در یکی از مقالات گذشته درباره فطرت بحثی پیش آمد، این
بحث روی همان زمینه و پیرو آنست، شاید بتوان گفت که فطرت در
انسان همان غریزه حیوانست که کامل و متحول شده و از محدودیت بیرون
آمده و آزاد گشته، چنانکه میتواند با پر و بال همان ادراکات بسیط
فطری بهر سو پرواز کند و با عرضه داشتن تصورات نا محدود بفطرت
تصدیق و علم بیا بدو با سرار مجهول پی برد و از دیوارهای محسوسات بگذرد
آنچه از مبدء غریزی انجام یافته و ظاهر می شود، مانند نظامات
طبیعی در کمال آراستگی و حکمت است. ادراکات و خواسته های فطری

هم چون از تصرفات بشری دور است، درست و مطابق واقع و در اصل برای همه یکسان است. اختلاف که نتیجه انحراف است، آنگاه رخ میدهد که شاهین دقیق و حق سنج فطرت بدست عوامل محیط وراثت و معلومات محدود اکتسابی قرار گیرد، چون آئینهٔ حقنمای فطرت را این آثار برنگ خود در آورد مسائل اساسی که همان مطالب اعتقادی عمومی است برنگها و حجمهای مختلف دیده میشود، باین جهت هر چه آثار محیط و معلومات اکتسابی ضعیفتر باشد اختلاف در باره ادراکات اولی کمتر و وترهای عواطف پاک حساس تر است.

مردمان درس نخواندهٔ بیابان و دهات بهتر از درس خوانده‌های کال و نارس، مسائل عمومی را درک میکنند و خلق غیرت و شجاعت و حمایت در آنها زنده تر است و چون کمتر دچار زندان دیوارهای عادات و رسوم شهر نشینی شده اند و فطرتشان رنگ اصطلاحات و لغات نگرفته حق و باطل را در عقاید و نیک و بد را در اعمال بهتر درک مینمایند، اینها که بدون واسطه لغت و نظریه‌ها، این جهان اسرار آمیز را مینگرند و در فطرتشان صفحات درخشان زمین و آسمان منعکس می‌شود، بامبدء عالم رابطه‌شان بیشتر و دست تدبیر ناظم این حکمت و کاتب این صفحات برای آنها آشکارتر است.

آن کشاورزیکه پیوسته چشم بآسمان و بوفاء و امانت داری طبیعت دارد و امیدوار است که بموقع ابر برمی آید و باران می بارد و بذرش می روید؛ بخداوندیکه لطف و قهرش در نظام جهان آشکار است، نزدیکتر است از مردمیکه در میان دیوارهای شهر و اسباب و وسائط گرفتارند.

باینجهت، بیدینی که انحراف فطرت است، در چنین مردم کمتر

است، اگر کسی باینها بگوید که این جهان بی سامان است و آغاز و انجامی ندارد و مخلوق تصادف است، نه عقل و شعور، اینگونه منفی بافها گرچه با هزاران لغت و اصطلاح و دلیل سازی و فلسفه بافی همراه باشد، در چنین مردمی اثر ندارد؛ بلکه گوینده را دیوانه و منحرف می شمارند، ولی آنهایی که در میان اصطلاحات و بافته های علمی خود گرفتارند، چه بسا از این سخنان وقتیکه بالغات و اصطلاحات فنی گفته شود؛ دچار شک و تردید می شوند، و صدها غلط و اشتباه در راه خود هموار می سازند، تا آن غلط و اشتباهی را که روی آن تصمیم گرفته اند توجیه نمایند،

دانش های محدود غرور انگیز، مانند چراغی است بدست ره نوردی در بیابان تاریک که محیط محدود در روشن می سازد، ولی حجاب محیط دورتر است و همان چراغ موجب گمراهی و سقوط در پرتگاه خواهد شد، ولی چشم عادی مانند فطرت است که همه فضای بیابان و موجودات دور و نزدیک را یکسان می نگرد و هر چه جلوتر می رود، قدرت تشخیص قوی تر می گردد. یابگو معلومات محدود، مانند شیشه های الوان است که در برابر دریچه عقل و فطرت گذارده می شود؛ صاحبان این دانشها جهان را برنگ فن و علم خود مینگرند و نمی توانند بفهمند که واقعیات غیر از آنستکه از دریچه محدود حواس و عقل رنگ یافته شان درک می شود.

مقصود این نیست که انسان بهمان حال فطرت بماند و از تکامل عقلی باز ایستد، تا دچار انحراف نشود، بلکه مقصود این است که محکوم معلومات محدود و دچار غرور نشود، تا دانش هارا پله های تکامل قرار دهد. بیشتر مردم بجای اینکه هر علم و مطلب تصدیقی را پله زیر پای عقل

قرار دهند و خود را بسطح بالاتر رسانند ، گرفتار غرور و توقف می شوند ، و بساد بر بدیهی ترین مطالب فطری و مسائل زندگی قدرت تشخیص ندارند و در طلسم اصطلاحات و مفهومات گرفتار و مغرورند ، مانند میوه کال و نارس هستند که سرمایا حرارت بیرونی آنرا برنگ میوه رسیده در آورده ، ولی نه در هاضمه ای هضم می شود و نه در دل زمین می روید ، آن اندازه که پیکره اجتماع از این نارسهای مغرور در رنج است ، از هیچ طبقه ای رنج نمی برد مردم مغرور بدانش های محدود یا بمال یا قدرت های دیگر ، پیوسته در صف مخالف پیمبران و مصلحین قرار می گرفتند ، نخستین مردمی که دعوت پیمبران را با جان و دل اجابت می کردند ' همان مردمان ساده ای بودند که دلی روشن و فطرتی زنده داشتند . اینکه گفته شده بیشتر بهشتیان ابلهانند ، مقصود همان مردم فطری است که دچار غرور بعقل محدود و علم ناقص نشده اند .

آنچه پیمبران بآن میخوانند ، چه مطالب ادراکی و عقلی یا مبادی خلقی ، پایه آن بر فطرت است ، بلکه دعوت انبیاء تأیید و کمک بهمان خواسته های فطرت است ، یا بر کنار نگاه داشتن فطرت است از انحراف و آلودگی . نوزاد آدمی همانوقت که لب میگشاید و ناله سر میدهد برای آنستکه خود را نیازمند و بیچاره می بیند و با ناله وزاری یاری و کمک می جوید ، با آنکه پرده چشمش هنوز چهره و صورت کسی را نگرفته و اعصاب گوشش با صدائی آشنا نشده و در برابر تهاجم نور ، قدرت باز کردن دریچه چشم خود را ندارد ، نه پدر می شناسد نه مادر ، نه بعقل و تدبیر خود مغرور گشته و نه بمال و قدرت محدودی تکیه زده ، از یکسو

بیچارگی خود را احساس مینماید؛ از سوی دیگر با گریه و ناله پرشوری آنرا اظهار میدارد؛ پس بهدایت فطرت پناهگاه و نیازمند بی حد و مطلقى را درك میکند، این همان علم بسیط فطریست که مورد عهد خداوند (**الم اعهد الیکم**) و سرشت مردم بر آنست (**فطرة الله التي فطر الناس علیها**) .

این توجه و علم فطری، تا دچار شك نگشته و بصورت ترکیبی در نیامده، مطلق و درست و مطابق واقع است، همینکه شك روی داد و خواست معلوم بسیط فطری مطلق دوباره ادراك شود، مرکب و محدود میگردد، اینجاست که انواع شرک پدید می آید و محیط و تقلید و توارث تأثیر مینماید و هر کس آن خواسته مطلق بی حد فطرت را بصورت و شکلی درمی آورد و بجای آنکه با اشاره نخستین فطرت و تعقل درست خود را به آن حقیقت نامحدود نزدیکتر نماید و بوی ایمان آورد، آن را محدود و نزدیک مینماید و بصورت های گوناگون درمی آورد: از بت و ستاره و ماه و ارباب انواع گرفته تا کلمات و لغات: ماده و طبیعت و نیرو.

پس شرک و کفر بخدا با همه انواع و اقسام و بصورت غیر مترقی بت پرستی یا مترقی ماده و نیرو و طبیعت پرستی، همه نتیجه انحراف از فطرت و غرور و تنبلی عقل است که بجای تکامل و پیش روی، مطلوب فطری و وجدانی را بصورتی نزدیک می آورد، اینجاست که نور هدایتی از بیرون وجود انسان برای راهنمایی و تقویت فطرت و عقل بایست تا هم فطرت و عقل را از انحراف و دخالت و هم حفظ نماید؛ و هم آنرا از توقف در پیشگاه معبودهای ساختگی برهاند، و بحرکت آورد و پیوسته آیات

و نشانه‌هایی از مبدء بی حد در کمال و فعلیت و علم و قدرت را بر سرشت و استعداد بی حد انسان تلاوت نماید (یتلوا علیهم آیاته) . و ریشه‌های اوهام و اخلاق پست که آدمی را در حد غرائز حیوانات میدارد و مانع تکامل است بر کند - ویز کیهم - پس از آنکه زمینه فطرت در نتیجه تلاوت آیات و تز کیه آماده گشت و از زیر سایه شاخه های اوهام بیرون آمد و در معرض نور آیات قرار گرفت و درون آن از ریشه های هرزه اخلاق پست و عادات تز کیه شد، بذر دانشهای محکم و قوانین ثابت را در آن کشت مینماید و یعلّمهم الكتاب والحکمة .

(مادر بخنده نام تو حیدر گذاشتی)

شاهی چو پابدوش پیمبر گذاشتی	از ممکنات پای فراتر گذاشتی
شیری چو دید از تو گه شیر خوار گئی	مادر بخنده نام تو حیدر گذاشتی
شستی تو زنگ کفر ز آئینه جهان	شمشیر بسکه بر سر کافر گذاشتی
اسلام یار گار تو ورنجهای تو است	کاورا ز خاک بر سر اختر گذاشتی
آنشب که ز بدور نبی حلقه صد بلا	تنها تو پای خویش بچنبر گذاشتی
باشد دل تو مرکز توحید و معرفت	اسرار حق بسینه تو اندر گذاشتی
همام رانمی چو بدادی ز بحر راز	جاوید مست گشت و نیامد بهوش باز